



The Iranian Association of
Medical Law



The Bioethics and Health
Law Institute

Compulsory Frustration of Individuals as Crime against Humanity & the Necessity of its Criminalization in Iran

Jamal Beigi^{1*}, Jafar Abasnjad¹, Mahmood Abbasi²

1. Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

2. The Scientific Association of Medical Law of Iran, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Some countries, large national or transnational organizations and trusts, in order to protect their national or material interests, by adopting a population reduction policy within or other target countries, implement a population sterilization plan in a region without announcing the consequences and obtaining real satisfaction from them. Given the diverse ways in which perpetrators commit and the extent of the effects of this crime, which is the size of the human race and aimed at protecting individuals, it is necessary to criminalize domestic law alongside international instruments, while implementing criminal justice to an effective criminal policy to prevent such crimes Gained access.

Method: In this article, with a descriptive and analytical method, the conditions of committing and the elements constituting the crime of forced sterilization of individuals and its distinction from other similar crimes and the criminalization requirements of this crime in the Iranian legislative system are discussed.

Ethical Considerations: In order to organize this Research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Results: At the national level, in order for the Islamic Republic of Iran not to accede to the Rome Statute and the legislative vacuum regarding sterilization policies and programs, the legislature should criminalize this crime as a crime against humanity, by providing a precise definition and full expression of its examples of existence. Support the next generation of humanity.

Conclusion: It can be concluded that at the international level, since 1998, the Statute of the International Criminal Court has recognized sterilization as one of the examples of crimes against humanity. Prior to that, however, it was referred to as "sexual violence" in other international instruments, including the Geneva Convention and the Convention on the Prohibition and Punishment of the Crime of Genocide.

Keywords: Crime against Humanity; Frustration; International Documents; International Criminal Court

Corresponding Author: Jamal Beigi; **Email:** Jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

Received: August 16, 2019; **Accepted:** December 03, 2020; **Published Online:** September 10, 2020

Please cite this article as:

Beigi J, Abasnjad J, Abbasi M. Compulsory Frustration of Individuals as Crime against Humanity & the Necessity of its Criminalization in Iran. Medical Law Journal. 2022; 16(57): e29.



مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، شماره پنجاه و هفتم، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

عقیم‌سازی اجباری اشخاص به مثابه جنایت علیه بشریت و لزوم جرم‌انگاری آن در ایران

جمال بیگی^{۱*}، جعفر عباس‌نژاد^۱، محمود عباسی^۲

۱. گروه آموزشی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

۲. انجمن علمی حقوق پزشکی ایران، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: برخی از کشورها، سازمان‌ها و تراست‌های بزرگ ملی یا فراملی در پی حفظ منافع ملی یا مادی خود، با اتخاذ سیاست کاهش جمعیتی در داخل یا دیگر کشورهای هدف، اقدام به اجرای طرح عقیم‌سازی جمعیت یک منطقه بدون اعلام تبعات آن و اخذ رضایت واقعی از آن‌ها می‌نمایند. با توجه به روش‌های متنوع ارتکاب آن از سوی مرتکبان و گستردگی آثار این جنایت که به اندازه نسل بشریت هست و با هدف حمایت از اشخاص، می‌بایستی با جرم‌انگاری در قوانین داخلی در کنار اسناد بین‌المللی، ضمن اجرای عدالت کیفری به یک سیاست جنایی مؤثری در پیشگیری از این‌گونه جنایت‌ها دسترسی پیدا کرد.

روش: در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی شرایط ارتکاب و عناصر تشکیل‌دهنده جنایت عقیم‌سازی اجباری اشخاص و بیان وجه تمایز آن از سایر جنایت‌های مشابه و تشریح الزامات جرم‌انگاری این جنایت در سیستم قانونگذاری ایران پرداخته می‌شود.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: در سطح ملی به جهت عدم الحاق جمهوری اسلامی ایران به اساسنامه رم و خلأ تقنینی در قبال سیاست‌ها و برنامه‌های ناظر بر عقیم‌سازی، بایسته است مقنن با جرم‌انگاری این جنایت به مثابه جنایت علیه بشریت، با ارائه تعریف دقیق و بیان کامل مصادیق آن، از موجودیت نسل آینده بشریت حمایت نماید.

نتیجه‌گیری: می‌توان نتیجه گرفت که در سطح بین‌المللی، از سال ۱۹۹۸ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی عقیم‌سازی را به عنوان یکی از مصادیق جنایت‌های علیه بشریت به رسمیت شناخته است، هرچند قبل از آن نیز در سایر اسناد بین‌المللی از جمله کنوانسیون ژنو و کنوانسیون منع و مجازات جنایت نسل‌زدایی، تحت عنوان «خشونت جنسی» به آن پرداخته می‌شد.

واژگان کلیدی: جنایت علیه بشریت؛ عقیم‌سازی؛ اسناد بین‌المللی؛ دادگاه کیفری بین‌المللی

نویسنده مسئول: جمال بیگی؛ پست الکترونیک: Jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۳؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۱۹

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Beigi J, Abasnjad J, Abbasi M. Compulsory Frustration of Individuals as Crime against Humanity & the Necessity of its Criminalization in Iran. Medical Law Journal. 2022; 16(57): e29.

مقدمه

از لحاظ تاریخی و قبل از آنکه عقیم‌سازی به عنوان جنایت علیه بشریت به رسمیت شناخته شود، در غرب و در کتاب «جمهوری» افلاطون با اصطلاح «اصلاح نژاد» (Modify Race) برای اولین بار مطرح شده است (۱). افلاطون با سخن از تولید کودکان سالم و برگزیده بر این باور بود که تولید مثل انسان باید تحت نظارت و کنترل دولت باشد.

Francis Galton در سال ۱۸۸۳ در کتاب قوای انسانی اصطلاح «اصلاح نژاد» را به صورت علمی به کاربرد و هدف Galton از طرح این نظریه، بهبود و اصلاح نسل و تبار انسان از طریق افزایش هوش و ممانعت از جهالت و کودنی بود.

در سال‌های اوج اصلاح نژاد (بین سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۹۴۵ م.) عقیم‌سازی اجباری و غیر ارادی افراد با اهداف گوناگون، از جمله بهبود ذخیره ژنتیکی انسان، در بسیاری از نقاط جهان در سطحی وسیع اجرا شد. با شروع قرن بیستم با الهام از اندیشه Galton در کشورهای مختلف، از جمله انگلیس و آمریکا و آلمان موجب تصویب قوانین غیر اخلاقی عقیم‌سازی اجباری به بهانه اصلاح نسل شد و برای آن نیز مشوق‌هایی در نظر گرفتند. در مدت کوتاهی بیش از ۴۰۰ هزار نفر در آلمان، ۶۳ هزار نفر در سوئد و ۸۰۰ هزار نفر در ژاپن عقیم شدند. از سال ۱۹۳۰ بیش از ۲۷ ایالت آمریکا شروع به تصویب قانون عقیم‌سازی اجباری کردند. دیوانگان، مبتلایان به صرع و افراد کودن و در برخی از ایالت‌ها هم بزهکاران به عادت و منحرفان اخلاقی مشمول قانون عقیم‌سازی اجباری شدند، هرچند اغلب ایالت‌ها این قوانین را اجرا نکردند، لیکن در کالیفرنیا تعداد موارد عقیم‌سازی تا سال ۱۹۳۵ به ۹۹۳۰ مورد رسید (۲). این رقم تا سال ۱۹۵۸ به ۶۰۹۲۶ مورد رسید که در مقایسه با بیست میلیون نفری که بین سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۸۰ در هند و سی میلیون نفر زن و ده میلیون نفر مردی که بین سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۴ در چین عقیم شدند، رقم چندانی نبود (۳). هدف اصلی این سیاست‌ها از بین بردن جرم و ژن این صفات بود. در موج دوم عقیم‌سازی بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ این بار در بسیاری از کشورهای آمریکای جنوبی و آسیای جنوب

شرقی رخ داد. طی این سال‌ها طیف وسیعی از سیاست‌های تشویقی تصویب و اجرا شدند؛ عقیم‌سازی در قبال غذا، پول، زمین و مسکن یا سیاست‌های تهدیدی مثل جرمه یا مجازات کسانی که حاضر نبودند عقیم شوند. به لحاظ تاریخی چهار گروه همیشه هدف اصلی سیاست عقیم‌سازی بوده‌اند: ۱- زنان؛ ۲- معلولان جسمی و ذهنی؛ ۳- افراد تراجنسیتی؛ ۴- فقرا.

جنایت علیه بشریت به قدمت خود بشریت است. شمار بالای کشته‌شدگان و قربانیان در نتیجه ارتکاب این جنایت‌ها که تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌آیند، یافتن راهکارهایی جهت توقف و پیشگیری از این‌گونه جنایت‌ها را حیاتی می‌نماید (۴). با وجود این، تنها در هفت دهه اخیر است که ممنوعیت بین‌المللی در جنایت‌های علیه بشریت پدیدار شده است و تنها در پانزده سال اخیر است که حدود و ثغور و اشکال این جرم تبیین شده است. از لحاظ خاستگاه و سیر تحول حقوقی جنایت عقیم‌سازی هم در سال ۱۹۱۵ که اعلامیه مشترک فرانسه، بریتانیای کبیر و روسیه که در واکنش به کشتار آرامنه توسط ترکیه، آن را مصداق جنایت علیه بشریت و تمدن نامید (۵) و تا بعد از جنگ جهانی اول و دوم و شکل‌گیری دادگاه‌های توکیو و نورمبرگ سخن از عقیم‌سازی به عنوان جنایت علیه بشریت نبود و از سال ۱۹۹۰ به این‌طرف پیشرفت‌هایی صورت گرفته است و هر دو دادگاه (روندا و یوگسلاوی سابق) اتهامات خشونت جنسی را مورد رسیدگی قرار داده‌اند (۶). در نهایت، در جولای ۱۹۹۸ دادگاه کیفری بین‌المللی، به صراحت عقیم‌سازی را به عنوان یکی از مصادیق خشونت جنسی و جنایت علیه بشریت برشمرده است. در عصر حاضر نیز برخی از دولت‌ها و شخصیت‌های حقوقی به دنبال منافع ملی یا فراملی و منافع مادی، دست به عقیم‌سازی خیلی از جمعیت‌ها در مناطق هدف می‌زنند. به باور برنامه‌ریزان امنیتی وقت آمریکا، از جمله Henry Kissinger، پس از پایان جنگ جهانی دوم و به خصوص پس از پایان جنگ سرد، آنچه امنیت ملی و سیطره جهانی آمریکا را تهدید می‌کرد، رشد جمعیت بومی کشورهای کمتر توسعه‌یافته‌ای بود که دارای منابع غنی بودند. شورا امنیت ملی ایالات متحده آمریکا بالاترین مقام تصمیم‌گیرنده در مورد سیاست‌های خارجی آمریکا

و رویه آن‌ها می‌کوشد پس از مفهوم‌شناسی جنایت علیه بشریت و عقیم‌سازی در بند ۱ و تبیین ارکان جنایت عقیم‌سازی اجباری به مثابه جنایت علیه بشریت طی بند ۲، لزوم جرم‌انگاری این جنایت را به مثابه جنایت علیه بشریت در حقوق ایران به شرح بند ۳ مقاله مطرح نماید.

روش

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی ضمن بررسی ارکان تشکیل‌دهنده عقیم‌سازی اجباری به مثابه جنایت علیه بشریت به بیان لزوم جرم‌انگاری آن در ایران می‌پردازد. از همین رو در جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاکی از این است که هرچند در سطح بین‌المللی، اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی از سال ۱۹۹۸ عقیم‌سازی را به عنوان یکی از مصادیق جنایت‌های علیه بشریت به رسمیت شناخته است و قبل از آن نیز در سایر اسناد بین‌المللی، از جمله کنوانسیون ژنو و کنوانسیون منع و مجازات جنایت نسل‌زدایی، تحت عنوان خشونت جنسی به آن پرداخته می‌شد، لیکن در سطح ملی، به جهت خلأ تقنینی در قبال سیاست‌ها و برنامه‌های ناظر بر عقیم‌سازی و عدم الحاق جمهوری اسلامی ایران به اساسنامه رم، ضرورت دارد مقنن با جرم‌انگاری این جنایت و ارائه تعریف دقیق و بیان کامل مصادیق آن، از موجودیت نسل آینده بشریت حمایت نماید.

بحث

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. جنایت علیه بشریت: در حالی که نسل‌کشی و جنایت‌های جنگی و تعاریفشان در کنوانسیون‌هایی که مورد پذیرش اکثر کشورها قرار گرفته‌اند، مدون شده‌اند، اما جنایت‌های علیه بشریت در تعداد محدودی از اسناد آن هم با تعاریف نسبتاً متعارض ظاهر شده است (۹). در جنایت‌های جنگی علت جرم‌انگاری ریشه در عمل متقابل (Reciprocity)

است که سند National Security Study Memorandum 200 (NSSM 200) را در سال ۱۹۷۴ نوشت و در جولای همان سال Nixon دستور اجراشدن پروژه‌های مربوط به آن را صادر کرد. در راستای اجرای برنامه‌های این سند که هدف کشور‌های آفریقایی بودند، در کنار مشوق‌های کاهش بارداری، سقط جنین، اشاعه همجنس‌بازی و آلوده کردن مردم به عوامل بیماری‌زا مثل ایدز، مراکز عقیم‌سازی مردان و زنان در سراسر جهان با ارائه مشوق‌هایی برای این کار ایجاد شد (۷).

بیشتر کشورهایی که سیاست‌های تحدید موالید مثل حداکثر یک فرزند یا حداکثر سه فرزند را پیگیری کرده‌اند، به طور کامل موفق نبوده و در عمل با تنگنا و بحران کاهش جمعیت مواجه شدند. بنابراین مجبور به بازنگری سیاست‌ها و تدوین قوانین حمایتی درباره افزایش جمعیت و کاهش خدمات حمایتی درباره تحدید جمعیت گردیدند. در ایران نیز به دنبال تهدیدهای جدی ناشی از رشد منفی جمعیت در آینده، قانون جمعیت و تنظیم خانواده مصوب ۱۳۷۲ تا حدودی اصلاح گردید و سیاست‌های جمعیتی توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردید (۸). در این میان، هرچند نقض حق باروری در اثر وقوع جرم یا انجام جراحی‌ها و مداوای ضروری یا غیر ضروری توسط پزشکان و سایر حرفه‌های وابسته به پزشکی به مثابه جنایت علیه اشخاص برابر مقررات ناظر بر قصاص و دیات قابل مجازات هست، لیکن عقیم‌سازی در صورت انطباق با ارکان و شرایط اختصاصی جنایت‌های بین‌المللی، به مثابه جنایت علیه بشریت جرم‌انگاری نگردیده است. از این رو ضرورت جرم‌انگاری آن همانند سایر جلوه‌های جنایت‌های بین‌المللی به جهت عدم الحاق جمهوری اسلامی ایران به اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی در مقررات داخلی دوچندان هست. بدین‌سان به جهت این ضرورت و با توجه به وسعت ارتکاب جنایت عقیم‌سازی در سراسر جهان اعم از زمان جنگ و زمان صلح و توجه کمتر اسناد و دادگاه‌های کیفری بین‌المللی به چنین جنایتی، این نوشتار در راستای تبیین بهتر خاستگاه و جایگاه جنایت عقیم‌سازی در بین سایر جنایت‌های علیه بشریت در پرتو اسناد بین‌المللی و اساسنامه‌های محاکم کیفری بین‌المللی

دارد، در حالی که انگیزه جرم‌انگاری در جنایت‌های علیه بشریت حمایت از منافع جامعه و اصول کلی حقوق مشخص است که مورد احترام جامعه بین‌الملل است. به همین جهت گفته شده است انعکاس جنایت علیه بشریت فراتر از مرزهای بین‌المللی است و شدت وحشی‌گری آن، خارج از حد قابل تحمل تمدن جدید است (۱۰).

در جنایت علیه بشریت ارتکاب اعمال غیر انسانی مانند قتل عمد، شکنجه، خشونت جنسی و عقیم‌سازی باید بخشی از یک حمله سازمان‌یافته یا گسترده علیه یک جمعیت غیر نظامی باشند تا بتوان رسیدگی به آن‌ها را در صلاحیت مراجع قضایی بین‌المللی قرار داد. در غیر این صورت، جرم عادی خواهند بود که در صلاحیت رسیدگی دادگاه‌های ملی قرار می‌گیرند، البته ناگفته نماند، در صورتی که محاکم ملی ذی صلاح قادر یا مایل به رسیدگی به جنایت‌های موضوع اساسنامه رم هم نباشند، دادگاه کیفری بین‌المللی بر اساس صلاحیت تکمیلی، صلاحیت رسیدگی به آن جنایت‌ها را هم خواهد داشت (۱۱). ماده ۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی در تعریف جنایت علیه بشریت بیان می‌دارد: «منظور از جنایت‌های علیه بشریت در این اساسنامه هر یک از اعمال مشروحه ذیل است، هنگامی که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته بر ضد یک جمعیت غیر نظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می‌یابد: ... ز: تجاوز جنسی، بردگی جنسی، فحشای اجباری، حاملگی اجباری، عقیم‌کردن اجباری یا هر شکل دیگر خشونت جنسی همسنگ با آن‌ها» (۱۲).

بند «ج» ماده ۶ منشور نورمبرگ و ماده ۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق پیوند بین جنگ و جنایت علیه بشریت را لازم دانسته بودند (۱۳)، در حالی که از نظر اساسنامه دادگاه روندو وجود چنین شرطی برای ارتکاب جنایت علیه بشریت ضروری نیست و این جنایت می‌تواند در زمان صلح یا در جریان یک مخاصمه مسلحانه ارتکاب یابد (۱۴). این موضوع در رای پرونده مربوط به Akaisu (قسمت ۴ بند ۵۸۱ رای) به صراحت بیان گردیده است (۱۵). به موجب ماده ۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی همچنین شرطی برای ارتکاب جنایت علیه بشریت ضروری تلقی نگردید. بنابراین بر

پایه عرف و رویه بین‌المللی برای ارتکاب جنایت علیه بشریت، وجود عملیات مسلحانه لازم نیست و ارتکاب این رفتار مجرمانه در طی یک درگیری مسلحانه بین‌المللی یا غیر بین‌المللی و حتی در زمان صلح هم یک جنایت بین‌المللی محسوب می‌شود (۱۶).

۲-۱. عقیم‌سازی (Frustration): بر اساس تعریف سازمان بهداشت جهانی (World Health Organization)، عقیم‌سازی یک فرایند برگشت‌ناپذیر است که توانایی فرزندآوری را برای همیشه از فرد (اعم از مرد یا زن) سلب می‌کند (۱۷). در ماده ۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی تعریفی از عقیم‌سازی ارائه نشده است، بلکه در قالب تعریف جنایت علیه بشریت، عقیم‌کردن اجباری را به عنوان یکی از مصادیق آن برشمرده است.

صرف نظر از تفاوت‌های موجود بین جنایت علیه بشریت و نسل‌زدایی، برای تعریف عقیم‌سازی به عنوان جنایت بین‌المللی می‌توان از ماده ۲ کنوانسیون منع و مجازات جنایت نسل‌زدایی مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸ استفاده کرد. بند «د» ماده ۲ این کنوانسیون بیان نموده است: «اجرای اقدام‌هایی که به قصد جلوگیری از تولید مثل در میان گروه صورت می‌گیرد» (۱۸). آنچه از ماده مذکور استنباط می‌گردد، عقیم‌سازی به معنای انجام اقدام‌هایی که متوجه نابودی اعضای کنونی گروه باشد، نیست، بلکه نابودی گروه از طریق نابودی نسل‌های آینده می‌باشد. دادگاه بین‌المللی روندو از تفاسیر رأی Akayesu در تمام آرای بعدی خود استفاده نموده است. در این پرونده دادگاه از قلع و قمع اعضای جنسی، عقیم‌کردن، کنترل اجباری زاد و ولد، جداسازی جنسیتی و ممنوعیت ازدواج در میان اعضای گروه‌های تحت حمایت کنوانسیون به عنوان مصادیق اقدام‌هایی نام برد که به قصد جلوگیری از تولید مثل در میان گروه صورت می‌گیرد (۱۹).

Rafael Lemkin حقوق‌دان یهودی لهستانی که با آغاز جنگ دوم جهانی از لهستان گریخته و به ایالات متحده آمریکا پناه برده بود، چندی بعد از شنیدن سخنان Churchill، در توصیف این جنایت‌ها واژه ژنوسید (Genocide) را انتخاب

نموده است (۲۰). Lemkin از اقدام‌هایی که به قصد جلوگیری از تولید مثل در میان گروه صورت می‌گیرد، با عنوان «ژنوسید بیولوژیکی (Biological Genocide)» نام می‌برد (۲۱). بنابراین هرگونه اقدامی (اعم از عمل جراحی، دارو، مواد شیمیایی و اشعه) که در قالب جنایت علیه بشریت به منظور جلوگیری از زاد و ولد و ادامه تولید نسل فرد (زن یا مرد) به صورت دائمی انجام گردد، عقیم‌سازی به مثابه جنایت علیه بشریت خواهد بود (۲۲).

۲. تبیین ارکان جنایت عقیم‌سازی اجباری به مثابه جنایت علیه بشریت: برای شناخت بهتر ابعاد این جنایت، می‌بایستی ارکان آن را بررسی نماییم تا تحلیل درست و کاملی از جایگاه این جنایت بین سایر جنایت‌های بین‌المللی طبق جدول ترسیمی داشته باشیم که در ذیل به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۲. رکن قانونی: مبنای جرم‌انگاری جنایت‌های علیه بشریت، جنایت‌های جنگی و نسل‌کشی همگی حمایت از حقوق بشر است، چراکه به حکم ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۶، مردان و زنان، بدون هیچ‌گونه محدودیتی حق دارند که با یکدیگر زناشویی کنند و خانواده بنیان نهند (۲۳). قبل از آنکه عقیم‌سازی به صورت مستقل و جنایت علیه بشریت جرم‌انگاری گردد، با بررسی اسناد بین‌المللی می‌توان آن را به عنوان یکی از مصادیق جنایت خشونت جنسی محسوب نمود که با عبارت‌های متفاوتی از آن حمایت شده بود. اعلامیه بروکسل (Brussels Declaration) ۱۸۷۴ (۲۴) که به تدوین حقوق جنگ در سطح بین‌الملل مبادرت ورزیده، در ماده ۳۸ تأیید نموده است: «شرافت و حقوق خانوادگی... می‌بایستی مورد احترام قرار گیرد» (۶).

ماده ۱۴۷ کنوانسیون چهارم ژنو و ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو به طور غیر مستقیم اشاره‌هایی به خشونت جنسی دارند. ماده ۱۴۷ اشعار می‌دارد: «تخلیفات عمده... عبارتند از هر یک از اعمال ذیل که بر علیه اشخاص یا اموالی که مورد حمایت این کنوانسیون می‌باشند، ارتکاب یافته باشد: آدم‌کشی عمدی، شکنجه یا رفتار خلاف انسانیت، از

جمله آزمایش‌های بیولوژیکی، ایراد دردهای شدید به طور عمدی یا لطمه به تمامیت جسمی یا به سلامتی، نفی بلد یا انتقال غیر قانونی...» (۲۵). ماده ۳ کنوانسیون‌های اول (۲۶)، دوم (۲۷) و سوم ژنو نیز همچون ماده ۱۴۷ کنوانسیون چهارم ژنو اشاره‌ای به «لطمه وارده به تمامیت جسمی» دارد که خشونت‌های جنسی نیز می‌تواند مشمول آن گردد (۲۸). در سال ۱۹۴۵ جنایت‌های علیه بشریت در منشور نورمبرگ به رسمیت شناخته شد، ولی هنوز عقیم‌سازی به عنوان یکی از این جنایت‌ها شناسایی نشده بود.

اولین سندی که به طور مستقیم به عقیم‌سازی پرداخته است کنوانسیون منع و مجازات جنایت نسل‌زدایی مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸ هست که بند «د» ماده ۲ کنوانسیون بیان می‌دارد: «اجرای اقدام‌هایی که به قصد جلوگیری از تولید مثل در میان گروه صورت می‌گیرد.» دو تفاوت عمده میان نسل‌زدایی و عقیم‌سازی به عنوان جنایت علیه بشریت وجود دارد:

- یکی از عناصر اساسی برای عقیم‌سازی به عنوان جنایت علیه بشریت غیر نظامی بودن جمعیتی که مورد حمله قرار می‌گیرند، هست، اما در نسل‌زدایی چنین شرطی لازم نیست و قربانیان این جرم می‌تواند اعم از نظامی و غیر نظامی باشد و اگر قصد مهاجمان و یا هر کدام از طرفین مخاصمه، نابودی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی باشد، کشتن افراد نظامی و نیروهای مسلح متعلق به آن گروه‌ها نیز نسل‌زدایی تلقی خواهد شد (۲۲).

- تفاوت دیگر میان جنایت نسل‌زدایی و جنایت علیه بشریت به ماهیت جمعی نسل‌زدایی مربوط می‌شود، در حالی که جنایت علیه بشریت، خصوصیت فردی دارد. هدف اصلی از تدوین کنوانسیون نسل‌زدایی، حمایت از حق بقای گروه‌های نژادی، قومی، مذهبی و... بوده است، گروه‌هایی که اساساً در جایگاه اقلیت قرار دارند و این حمایت در پرتو حفاظت از افراد متعلق به این گروه‌ها متجلی می‌گردد (۲۲)، لیکن با مجازات عقیم‌سازی به عنوان جنایت علیه بشریت، از فرد به ماهو فرد حمایت به عمل می‌آید.

در اساسنامه‌های دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و روندا نیز عقیم‌سازی به صورت خاص جرم‌انگاری نشده، بلکه در بند «ز» ماده ۵ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق و بند «ز» ماده ۳ اساسنامه دادگاه روندا با عبارت کلی «سایر خشونت‌های جنسی» به موضوع پرداخته شده است، لیکن اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برابر ماده ۷، عقیم‌سازی را به طور خاص به عنوان یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت جرم‌انگاری نموده است.

۲-۲. رکن مادی: برای تحقق رکن مادی جنایت عقیم‌سازی اجباری که در واقع به موجب بند «ث» ماده ۶ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، رکن مادی نسل‌کشی هم می‌تواند باشد، علاوه بر ارتکاب رفتار فیزیکی توسط متهم، باید دارای شرایط و اوضاع و احوال خاص جنایت‌های علیه بشریت نیز باشد که در ذیل به تشریح هر یک پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱. رفتار فیزیکی: رفتار فیزیکی این جنایت، محروم‌سازی یا ناتوان‌سازی دائمی یک یا چند فرد به وسیله عمل جراحی، دارو، مواد شیمیایی یا تاباندن اشعه هست. این رفتار می‌تواند هم به صورت فعل و هم ترک فعل انجام شود. عناصر تشکیل‌دهنده جرائم دادگاه کیفری بین‌المللی اولین سندی است که این جنایت را تعریف می‌کند. از نظر سند عناصر تشکیل‌دهنده جرائم دادگاه کیفری بین‌المللی، ارکان این جنایت عبارت‌اند از:

- مرتکب یک یا چند شخص را از قابلیت زاد و ولد طبیعی و بیولوژیکی محروم سازد.

- عمل ارتكابی نه جهت درمان پزشکی و بیمارستانی اشخاص ذی‌ربط موجه بوده است و نه با رضایت واقعی آن‌ها انجام شده است (۲۹). این تعریف محدود به عمل‌های پزشکی نشده است، بلکه می‌تواند شامل استفاده عامدانه از مواد شیمیایی با چنین اثر سوئی نیز بشود.

با عنایت به واژه «رضایت واقعی» در تعریف فوق، رضایت ناشی از فریب، اجبار و اکراه از دایره شمول رضایت خارج می‌شود. ماده ۷۰ آیین دادرسی و ادله دادگاه کیفری بین‌المللی مقرر نموده است: «دادگاه در موارد خشونت جنسی توسط اصول

ذیل هدایت می‌شود و در موارد مقتضی، آن‌ها را اعمال می‌کند:

- رضایت نمی‌تواند به دلیل هر بیان یا رفتار قربانی، در حالی که اجبار یا تهدید به اجبار، اکراه یا سوءاستفاده از جو اجباری که ناتوانی قربانی را برای دادن رضایت ارادی و حقیقی تضعیف کرده، استنباط شود.

- رضایت نمی‌تواند به دلیل هر بیان یا رفتار قربانی که ناتوان از دادن رضایت حقیقی است، استنباط شود.

- رضایت نمی‌تواند به دلیل سکوت یا عدم مقاومت قربانی به خشونت جنسی مورد ادعا، استنباط شود» (۳۰).

از یکسو رضایت قربانی را باید مدعی که همانا متهم هست اثبات نماید و از سوی دیگر، عنصر رضایت را می‌توان از طرف افرادی که عقیم می‌شوند، بررسی و قبول کرد، ولی این امکان برای بررسی رضایت نسلی که امکان ظهور و بروز پیدا نکرده وجود ندارد و به طور قطع مخدوش می‌باشد.

۲-۲-۲. شرایط و اوضاع و احوال: برای احراز وقوع عقیم‌سازی به عنوان جنایت علیه بشریت، وجود شرایط عمومی جنایت علیه بشریت الزامی هست:

- حمله (Attack): حمله به معنای توسل به نیروهای مسلح نیست و می‌تواند به معنای سوءرفتار نسبت به جمعیت غیر نظامی باشد. این اصطلاح به یک جریان وسیع رفتاری مشتمل بر اعمال ممنوعه اشاره دارد که اعمال متهم بخشی از این جریان است (۹). این رفتار باید «ارتکاب متعدد» اقدام‌های فهرست شده در بند اول ماده ۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی که از جمله آن عقیم‌سازی هست را دربر گیرد. ارتکاب متعدد شرط کم‌اهمیتی در مقایسه با قید گسترده بودن حمله است (۳۱).

- حمله گسترده یا سازمان‌یافته: با اینکه در تعریف جنایت علیه بشریت «حمله گسترده و سازمان‌یافته علیه هر جمعیت غیر نظامی» آمده است، ولی تعریفی از واژه‌های گسترده و سازمان‌یافته ارائه نشده و به صورت مبهم باقی مانده است. «گسترده‌بودن (Widespread)» یک معیار کلی است که ناظر بر ابعاد گسترده حمله و تعداد قربانیان - نه مهاجمان - دارد،

حتی یک اقدام منفرد، اگر تعداد زیادی از غیر نظامیان قربانی آن شوند، ممکن است یک حمله گسترده تلقی گردد (۳۱). «سازمان‌یافته (Organized)» معیار یک حمله نظام‌مند می‌باشد که خصوصیتی مثل داشتن الگویی مشخص، ارتکاب مستمر، استفاده از منابع، برنامه‌ریزی و اهداف سیاسی از ارکان اصلی آن است (۹)، هرچند برای جنایت علیه بشریت محسوب شدن یک اقدام، تنها کافی است یکی از معیارهای گسترده یا سازمان‌یافته بودن وجود داشته باشد، ولی در عمل، هر دو معیار لحاظ شده است. ارزیابی اینکه جنایت ارتکاب‌یافته گسترده یا سازمان‌یافته هست، بسته به مورد در هر پرونده نیاز به احراز مقام قضایی دارد.

– حمله باید علیه جمعیت غیر نظامی باشد: این معیار بر ماهیت جمعیتی بودن این جنایت تأکید می‌کند و شامل حملات علیه افراد و اقدامات منفرد خشونت‌آمیز نمی‌شود. این جنایت باید علیه یک جمعیت غیر نظامی باشد و فرقی نمی‌کند که این جنایت در زمان صلح یا در زمان جنگ باشد. منظور از واژه غیر نظامی، شامل آن دسته از نظامیانی که سلاح‌های خود را زمین گذاشته‌اند یا به علت بیماری یا جراحت قادر به جنگیدن نیستند نیز می‌شود. تابعیت قربانی به یک دولت تعیین‌کننده نیست (۹).

۲-۳. رکن معنوی: برای تحقق رکن معنوی جنایت علیه بشریت لازم است که مرتکب، اعمال مندرج در بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی را با علم و آگاهی (Knowledge) از یک حمله گسترده و سازمان‌یافته نسبت به یک جمعیت غیر نظامی و هم از روی اراده و اختیار انجام دهد، در غیر این صورت مرتکب یک جرم عادی خواهد شد. آگاهی در اساسنامه با مفهوم آگاهی شخصی یا ذهنی مطابقت دارد و در تمامی قسمت‌های اساسنامه دارای مفهوم یکسانی است. در این مفهوم، آگاهی به معنای علم و اطلاعی است که شخص مستقیماً به واسطه حواس خود به دست می‌آورد (۳۲). سند عناصر تشکیل‌دهنده جرائم که به موجب ماده ۹ اساسنامه رم در کنار اساسنامه قابل اجرا هست، اعلام نموده که آستانه اثبات رکن معنوی پایین‌تر از سایر موارد است. لازم نیست که

مرتکب اطلاع دقیق از حمله با جزئیات آن داشته باشد. بنابراین اطلاع از وجود حمله، از وقایع و اوضاع و احوال مربوطه استنباط می‌گردد (۹). مطابق بند ۵ سند عناصر تشکیل‌دهنده جرائم، برای اثبات رکن معنوی جنایت علیه بشریت لازم نیست مقام تعقیب ثابت کند که مرتکب نسبت به تمام خصوصیات و ویژگی‌های حمله و جزئیات دقیق آن، علم و اطلاع کامل داشته است، بلکه آگاهی مرتکب نسبت به اینکه حمله در چارچوبی گسترده یا سازمان‌یافته وجود دارد، کفایت می‌کند (۳۳).

در همین ارتباط دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، در قضیه‌های Tadic (بند ۵۴۲) و Blaskic (بندهای ۵۴۱ و ۵۲۱) که متهم به ارتکاب جنایت علیه بشریت بودند، آگاهی کامل آن‌ها نسبت به جزئیات حمله را برای تحقق جنایت لازم ندانست (۱۰). دکترین حقوقی هم مواردی که متهم تشخیص دهد احتمال وجود شرایط زیاد است، ولی به صورت خودخواسته و به دلیل تمایل به انکار آگاهی، از به دست آوردن نتیجه‌گیری نهایی در مورد آن سرباز زند را در حکم آگاهی کامل از نتیجه دانسته‌اند (۳۴).

از طرفی در عقیم‌سازی اجباری به عنوان جنایت علیه بشریت، اعتقاد مرتکب به مشروعیت اهداف و انگیزه (Motivation) حمله نیز شرط نیست. در موردی که شرکت‌های دارویی از روی اراده و با علم و آگاهی از یک سیاست عقیم‌سازی به صورت حمله گسترده یا سازمان‌یافته جهت کاهش جمعیت کشوری، داروهایی را با انگیزه و در راستای منافع شخصی بفروشد، می‌تواند عقیم‌سازی به مثابه جنایت علیه بشریت تلقی گردد. دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا در پرونده یکی از متهمان به نام Ragoza، انگیزه را در تحقق جنایت دخیل ندانست (۳۵). مطابق ماده ۳۰ اساسنامه رم هم در صورتی که رفتار ارتكابی شخص با ارکان مادی و معنوی جنایت‌های مندرج در اساسنامه منطبق باشد، اینکه متهم چه دلایل یا انگیزه‌هایی برای ارتکاب جنایت داشته است، تأثیری در وقوع جنایت ندارد (۳۶).

۳. لزوم جرم‌انگاری عقیم‌سازی به مثابه جنایت علیه بشریت در حقوق ایران: با توجه به فرایند افزایش جنایت‌های بین‌المللی و ضرورت مقابله با آن، جرم‌انگاری این جنایت‌ها چه در حقوق بین‌الملل و چه در حقوق داخلی کشورها کمک مؤثری برای عدالت کیفری بین‌المللی در مقابله با آن‌ها و نیز دستیابی به سیاست جنایی بین‌المللی مؤثر در پیشگیری از این‌گونه جنایت‌ها خواهد بود. در این راستا دادگاه کیفری بین‌المللی شکل گرفته که یکی از این جنایت‌های شناخته‌شده در اساسنامه رم، عقیم‌سازی اجباری به شرح پیش‌گفته شده هست، اگرچه رعایت مفاد اساسنامه به عنوان یک معاهده برای دول عضو الزام‌آور است، ولی باید توجه کرد که اساسنامه تعهد قانونی برای تعقیب ملی جنایت‌های بین‌المللی به کشورها تحمیل نمی‌کند (۳۷)، البته جرم‌انگاری جنایت‌های بین‌المللی ارتباطی با موضوع پیوستن به اساسنامه روم ندارد (۳۸). مستفاد از ماده ۱۷ اساسنامه روم پیوستن به آن پیش‌شرط و یا عدم پیوستن به آن مانع جرم‌انگاری عقیم‌سازی به مثابه جنایت علیه بشریت نمی‌گردد.

مرتکبان این جنایت‌ها با ارجاع دادستان دادگاه یا ارجاع دولت عضو یا پذیرش موردی اساسنامه دادگاه توسط دولت غیر عضو و یا با ارجاع شورای امنیت سازمان ملل متحد، توسط دادگاه کیفری بین‌المللی قابل رسیدگی و محاکمه خواهند بود. با وجود این رسیدگی در دادگاه مبتنی بر صلاحیت تکمیلی هست، بدین معنا که اساسنامه، صلاحیت اولی و اصلی محاکم ملی در رسیدگی به جنایت‌های مربوط به صلاحیت دادگاه را به رسمیت شناخته است. دادگاه کیفری بین‌المللی در صورتی به رسیدگی خواهد پرداخت که محاکم ملی صلاحیت‌دار «نخواهند یا نتوانند» به جنایت‌های مذکور رسیدگی نمایند. این همان چیزی است که از آن به نام صلاحیت تکمیلی یاد شده است (۳۹)، لذا لازمه رسیدگی به این جنایت‌ها در محاکم داخلی کشورها، از جمله ایران، جرم‌انگاری در قوانین ملی هست که متعاقب آن دولت‌ها می‌توانند بر اساس صلاحیت سرزمینی، شخصی، مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه، واقعی و جهانی به این جنایت‌ها رسیدگی نمایند.

در قوانین داخلی ایران، عقیم‌سازی به عنوان جرم عادی طبق مواد ۵۵۹ و ۷۰۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (۴۰) قابل رسیدگی و مجازات هست (۲۲)، ولی این جرم به عنوان جنایت علیه بشریت مورد توجه قانونگذار ایران قرار نگرفته است و مواد مذکور نمی‌تواند وافی برای رسیدن به مقصود باشد، چراکه جنایت‌های بین‌المللی، رسیدگی و مجازات مناسبی را ایجاب می‌نماید (۴۱).

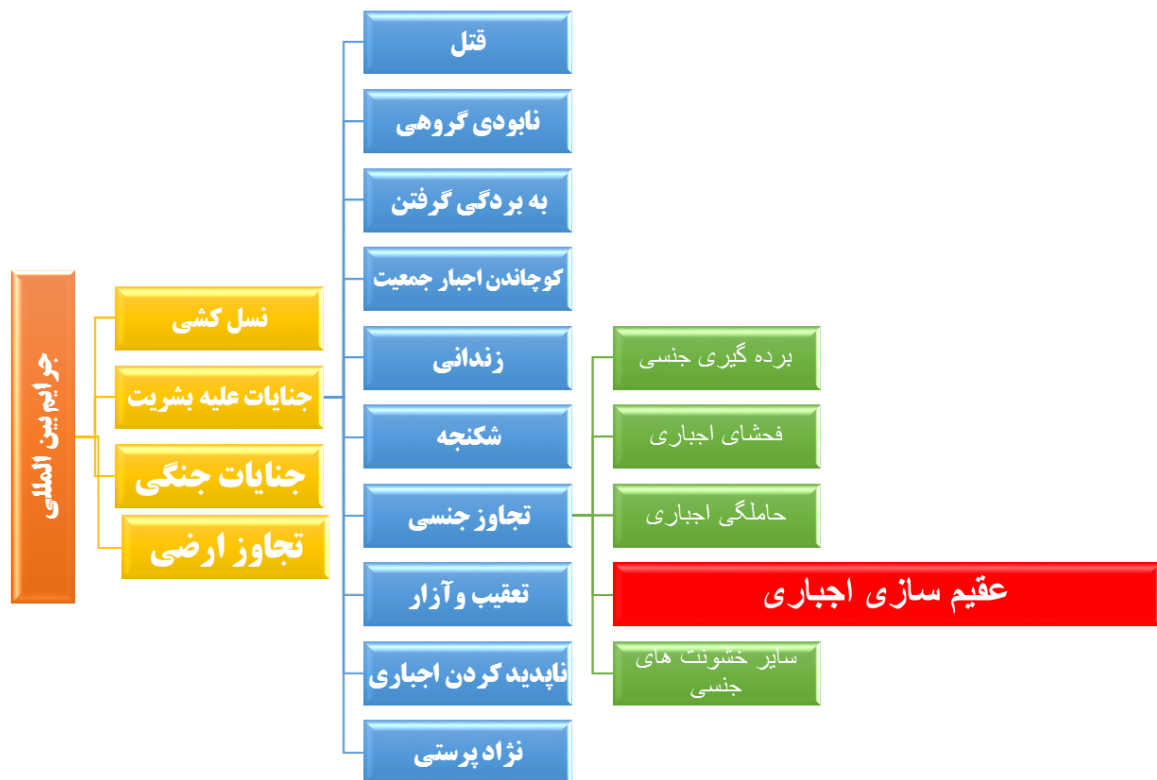
در مقررات فعلی ایران، بدون اینکه تعریفی از عناصر و شرایط عقیم‌سازی به عنوان جنایت علیه بشریت آمده باشد، ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «مرتکب جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شود، در همان کشور محاکمه می‌شود، اگر در ایران یافت شود، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد.» از ماده مذکور استنباط می‌شود که پذیرش اصل صلاحیت جهانی برای رسیدگی به این جنایت طبق اصل قانونی‌بودن جرائم و مجازات‌ها نیازمند جرم‌انگاری خاص در قوانین ماهوی و شکلی است، در غیر این صورت استناد به آن ماده جهت رسیدگی امکان‌پذیر نخواهد بود.

با توجه به اهمیت و گستره مفهومی این جنایت که شامل تمام اقدام‌های ارادی و مداخلات هدفمند به منظور عقیم‌سازی نظیر مداخلات جراحان یا تجویز داروها یا تزریق آمپول‌های ضد باروری می‌شود (۸)، برای مجازات مرتکبان این جنایت در محاکم ایران دو راه حل به نظر می‌رسد: اول اینکه اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی را بپذیریم و به تبع آن با قانونگذاری داخلی به این جنایت رسیدگی نماییم که این امر مطابق با اهداف دادگاه خواهد بود و شاید به مصلحت کشور نباشد؛ دوم بدون پذیرش اساسنامه رم به جرم‌انگاری این جنایت، دادگاه صالح، آیین دادرسی و اجرای احکام صادره اقدام گردد، در غیر این صورت اگر پرونده‌ای از طریق شورای امنیت سازمان ملل متحد به دلیل ارتکاب این جنایت به دادگاه ارجاع شود به موجب مقررات ماده ۱۷ اساسنامه، دادگاه کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی را خواهد داشت.

لذا با عنایت به مراتب مذکور، ضرورت جرم‌انگاری این جنایت در داخل کشور بیش از پیش احساس می‌شود تا ضمن حفظ

ثغور، عناصر و شرایط ارتکاب این جرم ارائه گردد. این لایحه تاکنون نهایی نشده و به مجلس شورای اسلامی ارائه نشده است. امید است با تصویب لایحه مذکور، شاهد تعریف کاملی از این جنایت باشیم.

استقلال قضایی داخلی، بهتر بتوان از وجهه بین‌المللی ایران دفاع کرد. در فصل دوم از بخش سوم لایحه اصلاح کتاب پنجم تعزیرات قانون مجازات اسلامی (۴۲)، سخن از مجازات عقیم‌کردن اجباری است بدون اینکه تعریف کاملی از حدود و



نمودار ۱: جایگاه عقیم‌سازی اجباری به مثابه جنایت علیه بشریت در بین سایر جنایات‌های بین‌المللی

این جنایت، نسل آینده‌ای هست که با عقیم‌سازی امکان بروز و ظهور پیدا نمی‌کند تا بتواند از موجودیت و حق حیات خود دفاع نماید و پدر و مادرانی هم که این جنایت روی آن‌ها انجام می‌شود یا مطلع از اهداف و سیاست‌های این جنایت‌ها نیستند و یا در صورتی که اطلاع کم نیز از امکانات کافی برای دسترسی به عدالت، شناسایی، طرح دعوی و محاکمه متهمان برخوردار نمی‌باشند.

به طور کلی با بررسی اسناد بین‌المللی به خصوص اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، به نظر می‌رسد که اساسنامه رم اولین سندی است که با جرم‌انگاری عقیم‌سازی اجباری به

نتیجه‌گیری

هدف از جرم‌انگاری عقیم‌سازی اجباری در اسناد بین‌المللی از یکسو انتساب جنایت فوق به متهمان هست تا شاهد محاکمه و مجازات جنایت خود باشند و از سوی دیگر، با تأکید بر جنبه پیشگیری بتوان از ارتکاب مجدد آن‌ها جلوگیری نمود. با وجود اهمیت دوچندان پیشگیری، متأسفانه در رسیدگی دادگاه کیفری بین‌المللی به جنایت‌های علیه بشریت که به عنوان نابودکننده‌های بشری تلقی می‌شوند و خسارت‌های ناشی از آن‌ها با جرائم عادی قابل مقایسه نیست، متأسفانه به طور جدی بدان پرداخته نشده است. از آنجایی که قربانیان اصلی

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

عنوان یکی از جنایت‌های علیه بشریت به مصونیت‌ها برای ارتکاب این جنایت‌ها پایان داده است. امری که با وجود اهمیت قانونی و قضایی، جرم‌انگاری این جنایت از دید قانونگذار ایران مغفول مانده است، لذا لازم است ضمن جرم‌انگاری دقیق و کامل این جنایت در حقوق ایران همانند کشورهای پیش رو در جرم‌انگاری جنایت‌های علیه بشریت در قوانین داخلی (مثل فرانسه)، با فرهنگ‌سازی و آموزش افراد جهت نحوه تنظیم خانواده، خود دولت نیز با انجام اقدام‌های عملی و اتخاذ سیاست‌های مناسب کلان جمعیتی و با نظارت دقیق بر نهادهای بهداشتی و شرکت‌های دارویی، امکان بهره‌مندی تمام شهروندان از حق فرزندآوری و زاد و ولد را در جهت تحقق اهداف عالیه اعلامیه جهانی حقوق بشر فراهم سازد.

مشارکت نویسندگان

جمال بیگی: جمع‌آوری منابع، بازبینی، اصلاح و ویرایش مقاله.
جعفر عباس‌نژاد: تدوین اولیه مقاله و جمع‌آوری اطلاعات.
محمود عباسی: راهنمایی و مرور مقاله.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

References

1. Molayosufi M, Rezai Mostaghim R. A Look at Francis Galton's Theory of Eugenics. *Science & Religion Research J.* 2014; 5(1): 91-114. [Persian]
2. Galton DJ. Greek Theories on Eugenics. *Journal of Medical Ethics.* 1998; 4(24): 263-267.
3. Glad J. Future Human Evolution: Eugenics in the Twenty-First Century. Abridged & Revised Edition. *Eugenics: Hermitage Publishers;* 2008.
4. Gol Khandan S, Haji Dehabadi M, Shams Natri ME. Criminological analysis of Strategies for the prevention of crimes against humanity. *Criminal Law Research J.* 2018; 6(22): 103-140. [Persian]
5. Ilna News 448520.10, October 8, 2019.
6. Khak R. The Criminalization of Sexual Violence in International Criminal Law. *International Law J.* 2008; 25(39): 101-146.
7. Mashregh News. 10, October 8, 2019. [Persian]
8. Hejazi MA, Bodaghi F. The Crime of Frustration & its Punishment. *Strategic Studies of Women J.* 2013; 16(62): 7-64. [Persian]
9. Cryer R, Freeman H, Robinson D. An Introduction to International Criminal Law. Translated by Janipour M, Sobhani H. Tehran: Jungle, Javadan Publications; 2018. Vol.1. [Persian]
10. Cassese A. International Criminal Law. Translated by Piran H, Amir Arjmand A, Mousavi Z. 1st ed. Tehran: Jungle, Javadan Publications; 2008. p.98-99. [Persian]
11. Shariat Bagheri MJ. Take a look at the Statute of the International Criminal Court. *Legal Perspectives J.* 1998; 12(1): 78-109. [Persian]
12. Statute of the International Criminal Court (ICC). July 1998. Published by the International Criminal Court. ISBN No.92-9227-232-2. CC-PIOS-LT-03-002/15_Eng. 1998.
13. Statute of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY). Adopted May 25, 1993 by Resolution 827. 1995.
14. Statute of the International Criminal Tribunal of Rwanda (ICTR). Adopted by the Security Council. At its 3454 Th Meeting, on November 8, 1994.
15. Raisi L. Investigating the General Conditions of Crimes against Humanity. *Vekalat J.* 2005; 27-28: 97-107. [Persian]
16. Dahim AR. An Introduction to International Criminal Law in the light of the Statute of the International Criminal Court. 2nd ed. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications; 2005. [Persian]
17. World Health Organization. Eliminating Forced, Coercive & Otherwise Involuntary Sterilization: An Interagency Statement, OHCHR, UN Women, UNAIDS, UNDP, UNFPA, UNICEF and WHO. Geneva: WHO Press; 2014. p.3.
18. Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of the Genocide. December 9, 1948.
19. Azizi S. Elements of Crime of Genocide in Judgment of February 26 2007 of International Court of Justice & Procedure of the Ad Hoc International Criminal Court. *Law Journal J.* 2007; 1(36): 9-24. [Persian]
20. Lemkin R. Genocide as a Crime under International Law. *The American Journal of International Law.* 1947; 1(41): 145-151.
21. Elinghaus K. Biological Absorption & Genocide: A Comparison of Indigenous Assimilation Policies in the United States and Australia. *Genocide Studies and Prevention: An International J.* 2009; 4(1): 58-79.
22. Azizi S. Protecting the Right of Minorities to Exist in the light of the Punishment of Perpetrators of Genocide in International Judicial Practice. *Private Law Studies J.* 2007; 37(4): 125-160. [Persian]
23. Universal Declaration of Human Rights (UDHR). December 10, 1948.
24. Project of an International Declaration Concerning the Laws & Customs of War. Brussels. August 27, 1874.
25. Convention (IV) Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War. Geneva. August 12, 1949.
26. Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field. Geneva. August 12, 1949.
27. Convention (II) for the Amelioration of the Condition of Wounded, Sick & Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea. Geneva. August 12, 1949.
28. Convention (III) Relative to the Treatment of Prisoners of War. Geneva. August 12, 1949.
29. International Criminal Court, Elements of Crimes, U.N. Doc. PCNICC/ 2000/1/ Add.2 2000. Published by the International Criminal Court, ISBN No.92-9227-232-2. ICC-PIDS-LT-03-002/11_Eng. Art.7 (1) (G)-5, Elements: 1-2.

30. Rules of Procedure & Evidence. Published by the International Criminal Court. ISBN No.92-9227-278-0 ICC-PIDS-LT-02-002/13_Eng. 2nd ed. 2013.
31. Werle G. Principles of International Criminal Law, The Hague: T.M.C. Berlin: Asser Press; 2005. Part.4 p.214-266.
32. Garner B. Black's Law Dictionary, Garner. Saint Paul, Minnesota: West Publishing Co; 2000. p.359.
33. Robinson D. The Elements of Crimes against Humanity. Edited by Roy S. The International Criminal Court: Elements of Crimes and Rules of Procedure & Evidence. Ardsley: Transnational Publishers Inc; 2001. P.72-73.
34. Finnin S. Mental Elements under Article 30 of the Rome Statute of the International Criminal Court: A Comparative Analysis. International & Comparative Law J. 2012; 61: 350-352.
35. Shiizier KSK. International Criminal Law. Translated by Agaei Jannat Makan H. 2nd ed. Tehran: Jungle, Javadan Publications; 2008. p.88-93. [Persian]
36. Ghiasi J, Ghalati IM. The Element-Based Analysis of Mental Element of Intentional Felonies which are within the Jurisdiction of International Criminal Court. Criminal Law Research J. 2017; 6(21): 155-196. [Persian]
37. Kreicker H. National Prosecution of International Crimes from a Comparative Perspective. Germany: Max Planck Institute for Foreign & International Criminal Law. Berlin: Duncker & Humblot; 2006.
38. Razavi B, Faraji M. The Need to Criminalize International Crime & its Patterns. Strategic J. 2017; 26(82): 5-28. [Persian]
39. Shariat Bagheri MJ. Additional Jurisdiction of the International Criminal Court. Justice Law J. 1999; 28-29; 79-106. [Persian]
40. Islamic Penal Code. May 31, 2013. [Persian]
41. Cryer R, Freeman H, Robinson D. An Introduction to International Criminal Law & Procedure. United Kingdom: Cambridge University Press; 2012.
42. The Portal of the Supreme Judiciary of the Islamic Republic of Iran, the full Text of the Judicial Bills. 10, October 8, 2019. [Persian]